

مشارکت هنگی نوبه‌انان

هنه هشتم

عیسی در خلوت با پدر وقت میگذراند

عیسی بی‌درنگ شاگردان را بر آن داشت تا در همان حال که او مردم را مرخص می‌کرد، سوار قایق شوند و پیش از او به آن سوی دریا بروند. پس از مرخص کردن مردم، خود به کوه رفت تا به تنهایی دعا کند. شب فرا رسید و او آنجا تنها بود. در این هنگام، قایق از ساحل بسیار دور شده و دستخوش تلاطم امواج بود، زیرا باد مخالف بر آن می‌وزید. در پاس چهارم از شب، عیسی گام‌زنان بر روی آب به سوی آنان رفت. چون شاگردان او را در حال راه رفتن روی آب دیدند، وحشت کرده، گفتند: «شبح است»، و از ترس فریاد زدند.

متی ۱۴: ۲۲-۲۶



اما عیسی بی‌درنگ به آنها گفت: «دل قوی دارید. من هستم، مترسید!» پطرس پاسخ داد: «سرور من، اگر تویی، مرا بفرما تا روی آب نزد تو بیایم.» فرمود: «بیا!» آنگاه پطرس از قایق بیرون آمد و روی آب به سوی عیسی به راه افتاد. اما چون باد را دید، ترسید و در حالی که در آب فرو می‌رفت، فریاد برآورد: «سرور من، نجاتم ده!» عیسی بی‌درنگ دست خود را دراز کرد و او را گرفت و گفت: «ای کم‌ایمان، چرا شک کردی؟» چون به قایق برآمدند، باد فرو نشست.


متی ۱۴: ۲۷-۳۲



سپس کسانی که در قایق بودند در برابر عیسی روی بر زمین نهاد، گفتند: «براستی که تو پسر خدایی!» پس چون به کرانهٔ دیگر رسیدند، در ناحیهٔ جنیسارت فرود آمدند. مردمان آنجا عیسی را شناختند و کسانی را به تمامی آن نواحی فرستاده، بیمارانش را نزدش آوردند. آنها از او تمنا می‌کردند اجازه دهد تا فقط گوشهٔ ردایش را لمس کنند، و هر که لمس می‌کرد، شفا می‌یافت.

متی ۱۴: ۳۳-۳۶





به خدا نزدیک شوید،
که او نیز به شما نزدیک خواهد شد...

يعقوب ۸:۴